کمپین کیانیان برای مبارزه با سرطان

فرهیختگان: رضا کیانیان این شب‌ها در نقش سر تامس مور در نمایش «مردی برای تمام فصول» به کارگردانی بهمن فرمان‌آرا از اخلاق می‌گوید. او که میهمان تلفنی برنامه «هفت» بود تا درباره عظیم جوان‌روح فیلم‌بردار تازه‌درگذشته سینما صحبت کند با اشاره به بیماری سرطانی که جوان روح به آن مبتلا بود، از شیوع این بیماری در جامعه انتقاد کرد و گفت: «ما هر هفته برای از دست دادن عزیزی به دلیل بیماری سرطان غم‌گرفته هستیم و باید به یکدیگر تسلیت بگوییم. من از همه دوستان می‌خواهم که فکری به حال این بیماری و گسترش آن بکنند. آقای هاشمی، وزیر بهداشت کارهای خوبی انجام داده‌اند و برنامه‌های خوبی در این زمینه دارند و قرار است به‌زودی کمپینی با حمایت ایشان در این زمینه شکل گیرد.»

گزارش اول

استاد تار ایران از دریافت نشان شوالیه انصراف داد

«به نام حسین علیزاده قناعت می‌کنم»

فرهیختگان| امسال فرانسه دست و دلبازی زیادی به خرج داد و چندین نفر از اهالی هنر ایران را شایسته دریافت نشان شوالیه دانست که در این میان نام حسین علیزاده نیز شنیده شد. اما انگار علیزاده که خود نشانی برای فرهنگ و موسیقی سرزمین ما به‌شمار می‌رود، از دریافت این نشان سر باز زد و گفت این نشان را نمی‌پذیرد و ترجیح می‌دهد نام او بدون هیچ پسوند و پیشوندی باقی بماند. او گفته است: «هنر فراتر از هر مرزی، حکایتی است آشنا برای هر انسان پیام‌آور عشق، صلح، دوستی، برادری و برابری. نقشی است تا ابد برای هر دلی که می‌تپد در دیار من و دیاری دگر. هنرمند در دیار خود ساخته می‌شود تا بپروراند جهانی را.» او می‌گوید موسیقی کهن ایرانی طنین تاریخ مردمی است باشکوه و از عشق و شجاعت و ایثاری صحبت کرده که در تک‌تک نغمه‌ها وجود دارد. او از افتخاری حرف زده که معتقد است مردم به هنرمند می‌دهند. او گفته است: «مرا مردم هنردوست و هموطنان عزیز و بزرگم بارها به اوج افتخار رسانده‌اند. افتخاری که در بلندای وجود و در دستان گرم‌شان بود و حالا...» استاد تار ایران اشاره کرده است: «اگر سفیر سیاسی و فرهنگی کشور فرانسه، هدیه ملت بافرهنگ فرانسه را به سینه هنرمندان بزرگ ما نصب می‌کند، آن را ارج می‌نهیم و ما نیز ستایش می‌کنیم ستارگان پر افتخار تاریخ خود را.» اما در این نامه‌ای که علیزاده منتشر کرده از مسئولان موسیقی ایران نیز انتقاد کرده و گفته است: «شاید اگر در دیار ما توجه و درک از هنر والای موسیقی همان‌طور که نزد مردم است، نزد مسئولان -که باید خدمتگزاران تاریخ و فرهنگ و هنر باشند- می‌بود، یک هدیه و عنوان غیرخودی این همه انعکاس نداشت.» و در ادامه هم گفته: «وقتی در فضای هنری نور کافی نباشد، چراغی کوچک خورشید می‌شود.» او ضمن قدردانی از مسئولان کشور و سفارت فرانسه و به احترام مردم هنرپرور و هنردوست ایران گفته است: «به نام حسین علیزاده قناعت می‌کنم و تا آخر عمر به آن پیشوند یا پسوندی نخواهم افزود.» امسال هنرمندانی چون لیلی گلستان، کامبیز درم‌بخش، داریوش مهرجویی، محمود دولت‌آبادی این نشان را دریافت کرده‌اند و در زمینه موسیقی در سال‌های گذشته محمدرضا شجریان و شهرام ناظری نشان شوالیه را دریافت کرده‌اند. نشان هنر و ادب شوالیه که از سوی وزارت فرهنگ فرانسه به هنرمندان و نویسندگان اعطا می‌شود، بیش از ۵۰ سال سابقه دارد.

آیدین آغداشلو «موقتا» خداحافظی کرد

وقت غذا دادن به گنجشک‌هاست

بر من دوزخی گذشت تا از معنای «خودم» محافظت کنم

فرهیختگان| بعد از ۴۰ سال آیدین آغداشلو تصمیم می‌گیرد تا نمایشگاه انفرادی برگزار کند و این اتفاق آنقدر مهم است که روز افتتاحیه نمایشگاهش انبوه علاقه‌مندان به آثار او برفروشان و خیابان‌های حوالی خانه هنرمندان تهران را با ترافیک شدیدی روبه‌رو کنند. آنها که برای تماشای این نمایشگاه رفته بودند، چند ساعتی در صف ماندند تا تنها یک ربع زمان به آنها برای بازدید از این نمایشگاه اختصاص یابد. دیروز آیدین آغداشلو به گالری «اثر» رفت تا در نشستی به پرسش‌های اهالی رسانه درباره نمایشگاهش پاسخ بدهد. او ناگهان همه را غافلگیر کرد و حرف از خداحافظی زد و اینکه قصد دارد مدتی دور باشد. او درباره رفتنش گفت: «سفر من به‌صورت موقت خواهد بود، من نمی‌خواهم دل کسی را بسوزانم و نمی‌خواهم چیزی را به رخ کسی بکشم. رفتن ما مانند برخاستن گنجشک از قله کوه است، چیزی تکان نمی‌خورد، شاید در بلندمدت جایش دیده شود، ولی بیش از این نیست. من اکنون خیلی افسرده‌ام و نیاز دارم دوره‌ای در پارک بنشینم و به کبوترها و گنجشک‌ها غذا بدهم، من زیاد کار کردم و حالا وقت غذا دادن به گنجشک‌هاست.» البته او قضیه را به شوخی کشاند و گفت: «احتمالا بعد از ۴۰ سال هم دوباره می‌توانم نمایشگاه بگذارم.» نوبت به خبرنگاران که رسید طبیعی بود که اول از همه از او بپرسند که چرا ۴۰ سال طول کشیده است تا نمایشگاه انفرادی برگزار کند و او بگوید: «من نقاشی بودم که هرگاه یک نقاشی را به پایان می‌رساندم آن را می‌فروختم و هیچ‌وقت کارهای من آنقدر جمع نمی‌شدند که بتوانم آنها را به نمایشگاه برسانم. پس از آنکه تصمیم گرفتم نمایشگاهی از آثارم را برگزار کنم، همراه عده‌ای از دوستان، از آثار مراقبت کردم و آنها را نفروختم. اکنون نیز بخش عمده‌ای از کارهایی که در این نمایشگاه به‌نمایش درآمده، مربوط به یک سال گذشته است.» آغداشلو از وسواس‌های خودش درباره برگزاری نمایشگاه گفت: «من همیشه راجع به برگزاری نمایشگاه، یک تصور مشخصی دارم، مثلا فکر می‌کنم یک هنرمند باید زمانی نمایشگاه بگذارد که نمایشگاهش، تحولاتی را در کارش اعلام کند، نه اینکه گذشته را مدام تکرار کند. فکر می‌کنم هنرمند باید به یک کشف و شهود جدیدی برسد تا نمایشگاه بگذارد، کتاب چاپ کند یا فیلم بسازد، ولی نمایشگاهی که من بعد از ۴۰ سال برگزار کردم، این ویژگی را ندارد. در حالی که آخرین نمایشگاه من پیش از این ۴۰ سال، با چنین رویکردی برگزار شد و من در آن نمایشگاه می‌خواستم بگویم که اینها کارهای جدید من است.» هنرمند نامی ایران از ویژگی‌های آثار به نمایش گذاشته‌اش هم گفت: «همیشه سعی کرده‌ام به‌گونه‌ای نقاشی کنم که اگر تمام آثارم از بین برود و فقط یک اثر آن باقی بماند، بتواند کارنامه ۶۰ سال نقاشی‌ام را به‌نمایش بگذارد. در نتیجه، در کشیدن نقاشی‌ها وسواس زیادی به خرج می‌دهم و وقتی آنها را امضا می‌کنم، با آن امضا بیان می‌کنم که من این مقدارم.» آیدین آغداشلو از موزه هنرهای معاصر هم گلایه کرد که این همه سال دست به کار نشده است تا کارهای او را یکجا به نمایش درآورد: «هیچ‌وقت این بخت را نداشتم که مجموعه‌ای از آثارم به‌نمایش درآید. من ۷۵ سال سن دارم، با وجود این تاکنون آثارم به‌صورت یک‌جا از دوره‌های مختلف به‌نمایش درنیامده‌اند. فکر می‌کنم این حقم بود که موزه هنرهای معاصر یک‌بار آثار دوره‌های کاری من را به‌نمایش بگذارد و این بار را از دوش من بردارد؛ ولی این اتفاق نیفتاد. اگر این اتفاق می‌افتاد اکنون مجبور نبودم برای جمع‌آوری آثارم و برگزاری یک نمایشگاه چند اثر نقاشی را از مجموعه‌داران مختلف به امانت بگیرم.» آغداشلو در طول برگزاری نمایشگاهش با پرسش‌های زیاد بازدیدکنندگانش روبه‌رو بوده است که کنجکاو بوده‌اند بدانند چرا بعد از این همه سال نمایشگاه برگزار نکردن، تعداد آثارش در این نمایشگاه اندک است. «اینها نمونه‌ای از آثار من هستند و برای من هم معرفی، تحسین و تقبیح شدن اولویت نداشت. فقط سعی کردم برای کسانی که نان من را داده‌اند، یعنی مردم و نه پولدارها، کارنامه عملی نشان دهم. به همین دلیل، نام این نمایشگاه را «کارنامه اعمال» می‌گذارم. همزمان با این نمایشگاه، مجموعه‌ای از مقاله‌هایم در هشت جلد کتاب قطور منتشر شده است. علاوه‌بر این، مجموعه نقاشی‌هایم در سه جلد کتاب و مجموعه آثار خوشنویسی و مرمت من که در واقع بخش عاشقانه کارم هستند، در دو جلد منتشر شده‌اند. این همه اثر مکتوب برای یک نقاش زیاد است و حالا فکر می‌کنم که می‌توانم بروم. من در سخت‌ترین شرایط در این مملکت ماندم؛ در ایام بیکاری، جنگ، بی‌پولی و... آنچه اکنون ارائه کرده‌ام یک تسویه‌حساب است. من در افسردگی عمیقی به‌سر می‌برم و این افسردگی مانند افسردگی بعد از زایمان است.»

آیدین آغداشلو در نشست مطبوعاتی‌اش با اهالی رسانه یادش بود که از آنها تشکر کند و گفت: «من حیثیت اجتماعی‌ام را مدیون روزنامه‌نگاران هستم و البته خودم را نیز به‌خاطر انتشار مقاله‌هایی، یک روزنامه‌نگار می‌دانم و از لطفشان متشکرم.» این هنرمند در بخشی از سخنانش، در پاسخ به این موضوع که زبان نقاشی‌هایش همواره پیشرو بوده و همگام با زبان رایج نقاشی‌های معاصرش نبوده است و درنهایت، ۴۰ سال بعد از ارائه این نقاشی‌ها، آنها «زبان هنر» رایج شده‌اند، گفت: «بر من خیلی سخت گذشت، اساسا مستقل ماندن کار دشواری است، بر من دوزخی گذشت تا از معنای «خودم» محافظت کنم و خود را در سیلاب جریان‌های روز رها نکنم و از لذت خویشتن بهره ببرم. به همین دلایل از دانشکده هنرهای زیبا بیرون آمدم، چون آن زمان، سبک غالب در دانشگاه، مدرنیسم بود و اگر کسی مدرنیسم نبود، وضعیتش به مخاطره می‌افتاد. باید توضیح می‌دادم که چه هستم، کوبیسم، امپرسیونیسم یا... من آن زمان هم فکر می‌کردم که آدم اگر حرفی برای گفتن داشته باشد، بیان می‌کند، این دیگران هستند که باید انتخاب کنند که سبک من چه چیزی است. طول کشید تا ثابت کنم که سوررئالیسم نیستم، چون آثارم خودآگاه شکل گرفته، نه ناخودآگاه. من برای هیچ‌یک از آثارم خواب ندیدم. این موضوع هم هنوز وجود دارد و منتقدانم با این پیش‌فرض شروع به نوشتن می‌کنند که سبک یک هنرمند چیست. در حالی که تمام سال‌هایی که نقاشی می‌کردم، با پیش‌فرض‌ها منطبق نبودم. هنوز هم باید توضیح دهم که اگر سبک من مدرنیسم نیست، پس چه هست، هنوز هم نمی‌توانم پاسخی بدهم و باید بگویم حالا که شما اینقدر باهوش هستید، پس بهتر است شما جواب بدهید. تمام این سال‌ها بر من سخت گذشت تا به‌عنوان یک هنرمند قبول شوم که یک نقاش معاصر پرکار هستم و دیگر اینکه هرچند سخت گذشت، ولی خوش گذشت، چون این قفسه‌بندی‌ها مانع نشدند که کارم را رها کنم و البته عده‌ای هم از کار من خوش‌شان آمد.»

آنها که پای حرف‌های آغداشلو نشسته بودند، کنجکاو بودند تا بفهمند چرا او از افسردگی حرف می‌زند. آغداشلو توضیح داد: «من همیشه انسان افسرده‌ای نبودم و مدتی است که دچار این افسردگی شده‌ام. افسردگی من هم اجتماعی نیست، بلکه منبع آن شخصی است. افسردگی‌ام ربطی به کنش مستقیم دولت‌ها با من ندارد. من ستایش‌شده‌ترین روشنفکر روزگار از سوی مردم هستم و تنها نقاش در ایران هستم که وقتی در خیابان راه می‌روم، مردم من را می‌شناسند، فکر نمی‌کنم نقاشان دیگر، چنین بختی داشته باشند. من نه از ناسپاسی و نه از پوچ بودن زندگی غمگین نیستم، فکر می‌کنم که دلایل افسردگی‌ام، کار و سن زیاد باشد. خیلی کار کرده و حالا خسته شده‌ام، سن و سالم زیاد است و بی‌حوصله شده‌ام و می‌دانم به کسانی که لطفشان همیشه شامل حال من بوده است، وام دارم.»

یاد

مراسم نهمین سالگرد درگذشت مرتضی ممیز برگزار شد

حقیقی: ممیز به راز جاودانگی دست یافت

فرهیختگان| ۹ سال از مرگ استاد گرافیک ایران می‌گذرد. مرتضی ممیز که نشان‌های بسیاری را برای ما به یادگار گذاشته خودش تبدیل به یکی از نشان‌های قدرتمند در حوزه گرافیک ایران شده است. مراسم نهمین سالگرد درگذشت او در تالار جلیل شهناز خانه هنرمندان ایران برگزار شد. در نهمین سالگرد نمایشگاه آثار کاری پیپو نیز به نمایش گذاشته شده است. مهم‌ترین سخنران این مراسم ابراهیم حقیقی بود که درباره کارهای پیپو گفت: «آشنایی با کاری پیپو از سال ۲۰۰۱ در کنگره AGI در هلسینکی فنلاند، شروع شد البته مثل طراحان بزرگ دیگر جهان سال‌ها بود که کار او را تعقیب می‌کردم. سال ۲۰۰۶ دوباره ایشان را در کنگره AGI در استانبول ملاقات کردم، انسانی شفاف و مهربان که از کارش نیز معلوم است چنان‌که در نمایشگاه خواهید دید. می‌خواهم به‌عنوان نمایشگاه پوستر و طراحی او که «ساده، قوی و شفاف» نام دارد و لغات شایسته کارهای ایشان است، اضافه کنم که کارهای آقای پیپو مثل شعر سعدی سهل و ممتنع است، به ظاهر ساده اما در واقع بی‌بدیل.» او گفت سعی کرده آدم حسودی نباشد اما با دیدن آثار کاری پیپو حسادت کرده که کاش کارهای او مال خودش بود. در ادامه حقیقی از مرتضی ممیز و راز و رمز جاودانگی حرف زد و گفت: «اگر در فرداهای نیامده، آثار بر جای مانده‌ات همچنان آبشخور تازه و جانبخش نوآمدگان باقی باشد، پس تو به راز جاودانگی دست یافته‌ای وقتی که دیگر نیستی و عکس‌های تو یادگاری است از روزی که بودی. زیبا و افراشته و انسان‌وار و تو را هنوز می‌ستایند حتی آنان که تو را هرگز ندیده بودند و این راز هنر است که با مرگ و جاودانگی خواهران توأمانند. و ما چهره یاران‌مان را به یاد می‌آوریم، از پس نماهای رنگ‌ورو رفته خاطرات کهنه، به بهانه دوباره دیدن عکس‌های یادگاری. و خاطره چیست، جز ته‌مایه‌ای باقی در کنج تاریک مغز تو که هنوز می‌توانی زندگی و زنده بودن را با آن تعریف کنی. و زندگی تو همچنان پس از نبودن‌ها برجاست، اگر جاودانگی در خیال و خاطره آیندگان در دیرپایی جا خوش کرده باشد.» علاقه‌مندان می‌توانند برای بازدید از سه نمایشگاه اتودهای استاد مرتضی ممیز، پوستر و طراحی کاری پیپو و منتخب آثار ابراهیم حقیقی، از ۷ تا ۱۳ آذرماه، به خانه هنرمندان ایران مراجعه کنند.

نشست تئاتر

رونمایی از سایت «ایران اکتور»

راهی برای حذف واسطه‌ها

فرهیختگان| نشست رونمایی از سایت «ایران اکتور» با حضور کیومرث مرادی و ایوب آقاخانی کارگردانان تئاتر برگزار شد. سایتی که مرادی آن را تاسیس کرده است می‌توانید در این سایت نام‌نویسی کنید و منتظر بمانید تا از طریق این سایت دیده شوید. کیومرث مرادی در این نشست درباره اهداف سایتش می‌گوید: «سایت سه هدف اصلی را دنبال می‌کند. نخستین هدفش ایجاد فرصت و امکان برای بازیگرهاست تا به صورت شخصی بتوانند در یک فضا خودشان را معرفی کنند. دومین هدف این است که این فرصت را به کسانی که در جست‌وجوی چنین بازیگرهایی هستند بدهیم تا بازیگرهای مستعد را کشف کنند. این سایت به جست‌وجوگرها هم کمک می‌کند. مهم‌تر از همه و سومین هدف ما حذف واسطه و ایجاد رابطه سالم بین این دو گروه است.» این سامانه در آدرس http://www.iranactor.ir قابل دسترسی است.

کتاب یک، کتاب دو

وظیفه دانستن قطعه پیش از مرگ

میلاد ظریف
داستان‌نویس

«دارم می‌خونمش» یا «خوندمش» یا «اونو که خوندم» اینها جمله‌هایی است که پرسشگری بعد از پرسیدن این سوال که «آیا تو فلان اثر کلاسیک را خوانده‌ای؟» از پرسش‌شونده می‌شنود. زمانی کالوینو در اثر مهم و سترگ خودش «چرا باید کلاسیک‌ها را خواند» به این نکته اشاره کرده بود که آثار کلاسیک، کتاب‌هایی هستند که تا به دست ما می‌رسند، در خود رد خوانش‌های پیشتر از ما را دارند و در پی خود ردی از فرهنگ یا فرهنگ‌هایی که از آن عبور کرده‌اند، و بلافاصله در مورد وجه برانگیزنده رابطه متضاد و متقابل آثار کلاسیک و خوانش آن به آثار و اندیشه‌های روسو چنگ می‌زند و می‌گوید با خواندنش میلی ناگزیر برای مخالفت، انتقاد و جدل با او در من ایجاد می‌کند. و به تعریفی می‌رسد که: کلاسیک اثری است که ما نمی‌توانیم در برابرش بی‌تفاوت بمانیم و یاری‌مان می‌دهد که از طریق آن و احتمالا در تضاد با آن، خود را تعریف کنیم. باری با این نقل قول‌ها از نویسنده بزرگ ایتالیایی، ایتالو کالوینو، به سراغ کتاب در میان تاریکی می‌رویم که گردآوری علی اسدی و مهرداد بذرگر است. از متون کهنی مثل طوطی‌نامه، قابوس‌نامه، عجایب‌المخلوقات و غرایب‌الموجودات، گلستان سعدی، مرزبان‌نامه و چند متون کلاسیک قدیمی معتبر دیگر. گردآورندگان این کتاب تمام تلاش‌شان را کرده‌اند که از میان این آثار کهن، داستان‌ها و حکایت‌های کوتاه و موجز (خصیصه مهم داستان مینی‌مال) که از تاویل‌پذیری برخوردار باشند را انتخاب کنند. تاویل در اینجا به نوعی مرگ متن و معنای آن است. اگر بپذیریم که مولف آن متن کلاسیک هم خود خواننده‌ای بوده بر متن‌های پیشتر از خودش و در نتیجه آن خوانش‌ها و تاویل‌های آن باعث شکل‌گیری متنی شده که ما مشغول خواندن آن هستیم، پس بی‌راه نیست که ما نیز ـ خواننده ـ به قول پدیدآورندگان کتاب در میان تاریکی المان‌های گوناگونی در ذهنمان شکل گیرد و منجر به شکل‌گیری متنی مستقل در ذهن شود. حال اینکه خواندن یک متن کلاسیک قدیمی یا یک متن کلاسیک مدرن چه چیزی برای من خواننده‌ای دارد که سال‌های سال با آن فرهنگ و پیشینه‌ای که آن متن در آن شکل گرفته فاصله دارم و در زمانی که با پیشرفت بسیار سریع تکنولوژی و تغییر زیست و به تبع آن تعاریف جدیدی از مفهوم‌ها را شاهد هستیم؛ برای نمونه همین مفهوم «متن» که به سمتی می‌رود که خوانشش در کاغذها به صورت کتاب یا روزنامه یا مجله یا هر چیزی در نوع کاغذی‌اش به کنار رود و با شبکه اینترنت روی صفحه تخت مانیتور و تبلت قابل دسترسی و خوانش شود. این اواخر هم که دستگاه‌های کیندل، به اندازه کف دست و با حمل کتاب آمده‌اند که می‌توان یک کتابخانه با صدها هزار کتاب را در آنها جای داد و با خود همراه برد. باز می‌گردیم به معنای مفهوم در آثار کلاسیک و بازتاب آن؛ آری آثار کلاسیک بازتاب‌دهنده مفاهیمی هستند که امروزه هنوز انسان غرق شده در تکنولوژی و صدها اخبار گوناگون و شگرف در سرتاسر جهان می‌تواند در همان حالی که آن اخبار از آخرین مدل تلویزیون فلان برند مشهور -که شاید به سنسور حرکتی مجهز هم هست- پخش می‌شود، به سراغ کتابخانه گوشه خانه‌اش برود و آن را باز کند و از هر صفحه‌ای که خواست شروع به خواندن کند. همچون آن کتاب شنی داستان بورخس که صاحبش آن را هر چه برگ می‌زد به صفحه آخر نمی‌رسید و کتابی بود با بی‌شمار صفحه. در عصر انفجار اطلاعات، به نظر می‌رسد خواندن و شناخت فرهنگ و مفاهیم ابدی ازلی انسان همچون خیر، شر، مرگ، زندگی، دوستی، دشمنی، جنگ، حسادت و... همچنان همانند که از همان ابتدای خلقت بوده‌اند، خواندن آثار کلاسیک تبدیل به یک وظیفه شده است وظیفه‌ای که برای انسان امروزی وظیفه‌ای گم شده در وظیفه‌های غیرضروری است.

در میان تاریکی
نوشته: علی اسدی و مهرداد بذرگر
ناشر: هرمس
چاپ ۱۳۹۳

چهره

سینما
شمس لنگرودی

فرهیختگان| این روزها جشنواره سینما حقیقت در حال برگزاری است. فیلم مستند «سخت مثل آب» که به زندگی و شعرهای شمس‌لنگرودی می‌پردازد قرار است دوشنبه دهم آذر ساعت ۱۶ در سینما فلسطین به نمایش درآید. این فیلم ساخته آرش سنجابی است که در آن از زوایای مختلف به زندگی این شاعر معاصر پرداخته است.

تلویزیون
پژمان بازغی

فرهیختگان| پژمان بازغی می‌گوید امیدوار است نظم سابق تلویزیون به‌زودی برگردد. او می‌گوید ۲۱ سال است در تلویزیون کار می‌کند و این روزها تلویزیون بی‌نظم شده است و بیشترین بی‌نظمی را هم در بحث مالی دارد. او اضافه می‌کند: «انتصاب آقای پورمحمدی به‌عنوان معاون سیما، خودش روزنه امیدی برای تلویزیون ایجاد کرده است که امیدوارم اتفاقات خوبی بیفتد.» او در سریال «دولت مخفی» بازی کرده و می‌گوید ایفای این‌طور نقش‌ها را دوست دارد و بازی در کارهای دفاع‌مقدسی را نوعی ادای دین می‌داند.

موسیقی
همایون خرم

فرهیختگان| رضا خرم فرزند همایون خرم درباره جایزه این استاد موسیقی ایرانی می‌گوید که استقبال از این جایزه زیاد بوده است. او می‌افزاید تمام تلاش‌شان را می‌کنند تا همزمان با سالروز درگذشت پدر یعنی ۲۸ دی‌ماه این جایزه برگزار شود و با توجه به اینکه سال اول برگزاری جایزه را پشت‌سر می‌گذارند کارشان سخت‌تر است. در این جایزه قرار است شرکت‌کنندگان آثار همایون خرم را اجرا کنند و مسابقه مخصوص افراد زیر ۲۰ سال است.

ادبیات
جومپا لاهیری

فرهیختگان| جایزه‌ای دیگر به نویسنده هندی‌تبار رسید. جومپا لاهیری این روزها خیلی مورد توجه مخاطب‌ها قرار گرفته و توانسته خودش را به‌عنوان یکی از نویسندگان موفق مطرح کند.او که پیشتر جایزه پولیتزر را دریافت کرده این‌بار یکی از پنج نامزد جایزه ادبی جنوب آسیا (DSC) شده است.

سینما
مهتاب کرامتی

فرهیختگان| مهتاب کرامتی، مدیر هنری چهارمین جشنواره فیلم کوتاه مستقل خورشید شد. این جشنواره به‌عنوان اولین جشنواره آنلاین فیلم کوتاه و نیز اولین و تنها جشنواره ویژه سینمای مستقل کوتاه در سه دوره پیشین خود مورد استقبال گسترده فیلمسازان فعال فیلم کوتاه و مستند در سراسر کشور قرار گرفت.